

پرولتارهای جهان متحد شوید!

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

اخیراً صورت اسامی ۹۶ نفر از کسانی که رژیم دیکتاتوری شاه به محاکمه جلب نموده و نام نویسنده مترقی محمود اعتمادزاده (به 'ذین') و پسرش کاوه نیز در عداد آنهاست. در جریان انتشار یافته است. اغلب اینان کسانی هستند که ضمن یورش وحشیانه چماق داران و چاقو کشان شاه در آذرماه گذشته بهنگام جلسه سخنرانی دانشگاه آریامهر و پس از ختم آن دستگیر شده اند. چنانکه از غیر انتشار یافته در جریان پیداست، اتهامی که برای این عده ساخته و پرداخته اند

## افشاء توطئه رژیم علیه عناصر ترقیخواه وظیفه همه رزمندگان راه آزادی است

ساخته اند. بهترین دلیل صحت این ادعا آنست که حتی یک نفر هم از آن باصطلاح 'مردم شاه دوست' که از روی 'غیرت میهن پرستی'، بمقابله با دانشجویان و استادان آزادیخواه برخاسته اند و بمنتیجه این ماجرای تحریک آمیز را پدید آورده اند در زمره دستگیر شدگان دیده نمیشود.

آنچه بیشتر بی پایگی این اتهامات را ثابت میکند و این پرونده سازی شرم آور را برملا میسازد این است که مأموران ساواک شبانه به خانه به آذین میریزند و پس از آنکه باشیبه خانه را شخم زده، زین رو میکنند و پایه های درخت ها و سیخ کباب و آقاز دنباله در صفحه ۲

عبارت از این است که دانشجویان پس از پایان جلسه حین عبور از خیابان نه تنها 'مغل نظم' شده اند بلکه گویا شیشه هایی از بانکها یا مغازه ها را شکسته و لذا سر تکب جرم مندرج در ماده ۲۶۱ قانون کیفر عمومی، یعنی نهب و غارت و اتلاف اجناس، نیز گردیده اند! نفس رویداد، علت واقعی این پرونده سازی را روشن میسازد. چاقو کشان ساواک برای مرعوب ساختن مردم در کوچه جنب دانشگاه کمین کرده بهنگام خروج، شرکت کنندگان را مورد حمله و هجوم قرار داده، عده ای را مضروب و مجروح ساخته شیشه های برخی از مغازه ها را شکسته و زمین را برای مناخله مأموران رسمی تحت عنوان 'حفظ نظم' فراهم

## درد شور انگیز مردم قهرمان تبریز! (اظهاریه هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

روز شنبه ۲۹ بهمن ماه در یکسلسله از شهرها و از جمله تبریز، اهنگان شیراز، اهواز و غیره، تشرهای مخفف مردم برای نشان دادن خشم و اعتراض خویش نسبت به رژیم دست به تظاهر زدند. این تظاهرات مردم در شهر تبریز دامنه ای وسیع یافت. در این شهر نیروهای مسلح بدستور جبارانه شاه و برای حفظ رژیم استبدادی و ضد ملی وی، مردم برسلاح را در معرض گلوله باران وحشیانه و حمله سیهانه تانکها و مسلسل ها قرار دادند. عده کثیری از مردم تبریز در اثر این ایلانل ددمشانه شهید و یا مجروح شدند. در جریان این حوادث رژیم بنا بشیوه همیشه خود با دست زدن به یک سلسله خرابکاری بدست چاقو کشان و اوپاشان ساواک، در تلاش است این بربریت آدمکشانه خود را توجیه کند و کسانی را که با استفاده از حقوق حقه قانونی خود در نهایت نظم دست به تظاهر زده بودند، مورد آزار و اهانت و تعقیب قرار دهد. سخنگویان بشیرم رژیم در مجاس و سنا و رسانه های گروهی با بکار بردن صفاتی که پرازانده خود آنها و ارباب تجادار آنهاست، در حق مردم شرافتمند تبریز انتسابات زشت بکار میبرند.

ما درود پرشور خود را به مردم دلاور تبریز، این گهواره ارجشمنده آزادی و جنبش مترقی در میهن ما، ابراز میداریم و به گلوله باران سیهانه مردم از طرف رژیم ضد ملی و استبدادی شاه با حدیثی هر چه تاملتر اعتراض میکنیم. حزب توده ایران در برابر شهدای این فاجعه بزرگ سر تعظیم فرود میآورد و همدردی و همبستگی خود را با بازماندگان آنان ابراز میدارد. حوادث تبریز زلزله بزرگی است که در کاخ پلید استبداد محمدرضا شاهی روی داده و بزرگترین موج جنبش مردم در سالهای اخیر است. و نشانی میدهد که در 'جزیره ثبات' طوفان خشم هنگامی می غرد. این حوادث یکبار دیگر نشان داد که سرب آتشین قادر نیست مردم از جانب گذشته ای را که برای نیل باستقلال و دمکراسی بپای خاسته اند و از رژیم استبدادی بچای بیزارند، بهراساند. مبارزه طبقات و قشرهای متحد خلق علیه رژیم ادامه دارد و گسترش مییابد. حزب توده ایران با تمام نیروی خود پشتیبان و شریک این مبارزات است. حزب توده ایران از همه نیروهای مترقی و ضد رژیم دعوت میکند که با تمام قوا برای سوق بیشتر توده ها بمبارزه، همه مساعی و ابتکارات خود را بکار برند و در این مبارزه سرسختی و بیگیری نشان دهند.

پیروز باد مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه استبداد فاشیستی محمد رضا شاه! متحد باد نیروهای مخالف رژیم در نبرد علیه ارتجاع سیاه! خرد شور انگیز ما به مردم قهرمان تبریز!

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران  
اول اسفند ۱۳۵۶

## فرخنده باد هشتم مارس - روز بین المللی زنان

توده های زن بزمین . . . رژیم و مسائل وسیع تبلیغاتی آن به مناسبت و بدوخت مناسبت از پیشرفت زن در اجتماع امروزی ایران و 'حقوق برابری' که با مرد دارد دم میزنند و ادعا میکنند که خوشبختانه دیگر تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد و آخرین حلقه های اسارت کهن زن در ایران، در پرتو انقلابات رنگارنگ در هم شکسته و زن موجودی است آزاد، با حق و متکی به قوانین بسیار درست!

زن ایرانی نه از نقطه نظر قوانین خانوادگی و نه از حقوق اجتماعی نه تنها برابر با مرد نیست بلکه به جرات میتوان گفت که در خیلی از نقاط ایران و شاید در اکثر روستاها و شهرهای کوچک زنجیرهای قوانین فئودالی همچنان به قوت خود باقی است و او را همان برده و کنیز و ستمکش نگاه داشته اند.

در روزنامه کیهان در باره سرنوشت زنی نوشته شده که چون میخواسته بکری مشغول گردد شوهرش او را طلاق میدهد. شوهرش پسرنیچاله شانرا (که ازس از دور شدن از مادر گریه کرده و بیبوش افتاده بود) در برابر چشم همه بقل میزند و میورد. در همین پیش آمد به دو اصل بزرگ آزادی و حق زن که زیر پا گذاشته شده برمیخوریم: نخست اینکه زنیکه میخواهد کار کند باید با رضایت شوهر باشد، دوم اینکه اگر زن طلاق گرفت بچه اش را از او میگیرند، هم حق کار و هم حق مادری بر پایه قوانین حاکم در ایران از زن سلب شده است.

در کارخانه ها و مزارع و کارگاه ها چه فصلی و چه دائمی نیروی زنان بمقدار قابل توجهی به کار برده میشود اما مرد آنها از مردان کمتر است و هیچ قانون کاری از کار کرات فصلی یا زنان قابلیت حمایت نمینماید. زنان قابلیت که در سراسر ایران در هرده و دهکده و حتی شهرها مشغول هستند همان بردگان

دنباله در صفحه ۲

روز هشتم مارس، روز بین المللی زنان، فرصتی است برای تجدید سخن درباره یکی از مهمترین معضلات حل نشده جامعه ما، یعنی مسئله برابری حقوق اجتماعی و اقتصادی زن ایرانی، که رژیم شاه آنرا محل شده، جلوه میدهد. زنان ایران اکنون بیش از هفتاد سال است به اشکال مختلف در راه نیل به این برابری حقوق مبارزه میکنند و از کلیه امکاناتی که در اختیار داشتند، خواه امکانات 'قانونی'، و خواه امکانات انقلابی در راه خواسته های دمکراتیک خویش، بی حساسی، بیکار کرده اند و اگر امروز زن ایرانی به دستاوردهای محدود و سطحی نیز رسیده، نتیجه این نبرد طولانی است. اکنون نیز زن ایرانی، هم در نبرد صنفی و هم در نبرد وسیع اجتماعی خلق سهم شایسته ای را ادا میکند.

زنان ایران و بویژه زنان بختکشان علاوه بر مبارزه عمومی دمکراتیک که یک مبارزه صنفی است و همه زنان مترقی و خواستار برابری حقوق اجتماعی را در بر میگردد، در عین حال در مبارزه طبقاتی خود برای رهایی از بهره کشی طبقاتی، اسارت در جنگ غارتگران امپریالیستی شرکت میکنند.

آموزگر بزرگ انقلاب لنین در گفتگوی خود با کلارا تسکین چنین گفت: 'باید بیلونها زن زحمتکش شهر و ده را در مبارزه خودمان شرکت دهیم. بدون یاری زنان یک نهضت واقعی توده ای غیر ممکن است. . . و لازم است بطور وسیع دست به یک کار منظم در میان'

در بودجه عمومی کشور از ۵۷ درصد در آغاز برنامه، پنجم به ۶۰٫۵ در صد در سال ۱۳۵۷ یا آغاز برنامه ششم افزایش یافته است. طبق برنامه تجدید نظر شده قرار بود طی ۵ سال این برنامه، جمعا ۱۵۰ میلیارد ریال (۱۲٫۲ میلیارد دلار) وام خارجی دریافت شود و اکنون فقط طی یک سال ۱۳۵۷، یعنی آغاز برنامه ششم، دولت ناگزیر بباخذ وامی بجهت میزان شده است. اگر باین مبلغ، که برای تأمین کسری بودجه عمومی است، مبلغ ۱۶۲ میلیارد ریال وام خارجی شرکت ها و مؤسسات انتفاعی وابسته بولت را نیز اضافه کنیم، به رقم سرسام آور ۳۱۲ میلیارد ریال (۲۴ میلیارد دلار) خواهیم رسید، که تاکنون در ایران سابقه نداشته است.

**بودجه نامتعادل.** در بودجه پیشینهای دولت مدعی است که فقط ۱۴۰ میلیارد ریال کسری دارد، ولی واقعیت جز اینست. اگر وامها و اعتباراتی را هم که دولت برای جبران کسری بودجه کل باید از داخل و خارج دریافت کند، بحساب آوریم، این کسری به رقم، بلزهم بیسابقه، ۷۵۴ میلیارد ریال (بیش از ۱۰ میلیارد دلار) بالغ خواهد شد. این کسری حدود ۴۹ درصد درآمد نفت و ۱۸ درصد بودجه کل کشور است!

**نظامیگری و اختناق.** در بودجه ۱۳۵۷ هزینه های مستقیم نظامی به بیش از ۷۰۰ دنباله در صفحه ۲

## بودجه سال ۱۳۵۷ یک بودجه ضد ملی و ضد خلقی دیگر

بودجه سال ۱۳۵۷ سرآغاز برنامه عمرانی جدیدی است، که تاکنون حتی خطوط کلی آن اعلام نشده است. سرآغاز پس متزلزل، پس از پایان سخت آشفته ی و اجتماعی برنامه پنجم تجدید نظر شده ای، 'آهنگه هایاو در بله، بلند پروازانه، بودن و درخشانی، که ببار خواهد آورد! مردم ارائه اکنون ثمرات این برنامه را بصورت آشفته گی امایی در سراسر اقتصاد، نارضائی و خشم در تمام در پیش چشم داریم، که تشدید تضاد ها و ش مبارزه ها از پیامدهای ناگزیر آنست. در مقابله با این وضع است، که دولت ایجاد ن، متناسب برای تداوم رشد معقول و متعادل ی و اجتماعی، 'کوششهای خستگی ناپذیر در با تورم . . . و از میان برداشتن تنگنا ها، و نظم و امنیت داخلی، را سرلوحه برنامه ملی ی و اجتماعی و سیاسی خود در بودجه ۱۳۵۷ کرده است. ولی این بودجه نیز، صرف نظر از ت معین در بعضی ارقام، تکیه های مشخص بر جوانب، که بشیوه گذشته نشی از شرایط روز گرفته، مانند تمام بودجه های دوران استبداد رضا شاهی دارای چند خصالت اساسی است و آن ملی ضد ملی، ضد خلقی و ضد دموکراتیک

این بودجه است، که از ماهیت خود رژیم سرچشمه میگیرد. خصالت ضد ملی بودجه در نظامیگری و نقش که در بغارت دادن منابع و منافع ملی دارد، منعکس میشود؛ خصالت ضد خلقی آن در نقش است که در تجدید توزیع درآمد ملی بسود دربار، سرمایه داران و مالکان بزرگ داخلی و انحصار های خارجی بزیان زحمتکش بجهده دارد و خصالت ضد دموکراتیک آن در نحوه تنظیم و اجرای آن زیر دفرماندهی عالی، شاه در محفل قانون گزاران دلتنگ صفت و بدست مجریان چاکرمنش، بدون دخالت مردم ایران و علیه آنان، نهفته است. بدون آنکه در ضد بررسی همه این جوانب بودجه باشیم، به ذکر ارقامی بسنده میکنیم، که خود ارقام گویا تر از هر تفسیری است.

**بودجه وابسته.** بودجه سال ۵۷ نیز مانند تمام بودجه های دوران پس از کودتا، بودجه ایست که از لحاظ درآمد، وابسته به امپریالیسم است. این وابستگی، در درجه اول، از راه درآمد نفت، که سرنوشتش در دست عمده ترین کشورهای امپریالیستی است و نیز از راه اخذ وام های اسارت یار از کشورهای امپریالیستی برقرار میشود، سهم این درآمد

## صادر کننده اسلحه به سومالی ایران است

روزنامه پروادا در ۱۸ فوریه ۱۹۷۸ مینویسد: خبر نکار جبرگزاری یونایتد پارس اینترنشنل طی گزارش خود ازموگادیشو مینویسد صدور تسلیحات از کشورهای عضو پیمان ناتو و رژیمهای ارتجاعی کشورهای خاور نزدیک ومیانها به سومالی تشدید شده است. در گزارش متذکر شده است که در محافل دیپلماتی گفته میشود: صادر کننده عمده تسلیحات به سومالی ایران است که طی دو هفته اخیر ۱۰ فروند کشتی حامل خمپاره انداز، مرمیات برای تویخانه سنگین و راکتهای ضد هوایی به موگادیشو روانه کرده است.

بودجه سال ۱۳۵۷ يك بودجه ضدملی و ...

میلیارد ریال بالغ خواهد شد (۲۵ درصد افزایش).
باین ترتیب هر فرد ایرانی سالانه باید بیش از ۲۰۶۰ تومان (۲۹۴ دلار) هزینه نظامی بپردازد. این رقم بیش از درآمد سرانه افراد يك خانواده متوسط در ایران و تقریباً نصف هزینه نظامی سرانه امریکاست که درآمد ملی سرانه در آن بیش از چهار برابر درآمد ملی سرانه در ایران است. امریکا که در نظامی کشورهای امپریالیستی جهان است، سالانه حدود ۸ درصد تولید ملی خود را صرف هزینه های نظامی میکند و شاه، این ژاندارم منقطع ۱۲ درصد آنرا! و این تازه هزینه های مستقیم نظامی بوده و در آن هزینه های نظامی دیگری که در درون بخشهای مختلف هزینه های اقتصادی و اجتماعی نهفته است، منظور نشده است. علاوه بر اینها رژیم برای تشدید دستگاه قضا و سرکوب داخلی هزینه های «امنیتی» خود را با ۲۹ درصد افزایش به ۷۵ میلیارد ریال رسانده است.

بار مالیاتها بردوش مردم - درسال

۱۳۵۷ پانزده ۴۶ درصد یا ۱۹۳ میلیارد ریال بدرآمد های مالیاتی افزوده خواهد شد. از این مبلغ ۱۱۵ میلیارد ریال بابت افزایش مالیاتهای غیر مستقیم خواهد بود، که بار عمده آن بر دوش زحمتکشان است. بطور کلی ۱۷۱ میلیارد ریال یا ۸۹ درصد افزایش مالیاتها بحساب افزایش مالیاتهای غیرمستقیم، مالیات بر شرکت های دولتی، مالیات بر حقوق و دستمزد و مالیات از اجناس و صاحبان مشاغل خواهد بود. شرکت های خصوصی، که استثمارگران و غارتگران کلان بخش خصوصی در شمار صاحبان عمده این شرکت ها هستند، فقط ۲۳ میلیارد از این افزایش را باید بپردازند. این افزایش نیز، با احتمال قوی، نه بحساب افزایش نرخ مالیات بر درآمد این سرمایه داران کلان، بلکه بطوریکه سابقه امر نشان میدهد، باید از راه اجرای صحیح تر مقررات مالیاتی و وصول مالیات قانونی از مؤدیان تأمین گردد. بطوریکه میدانیم، خود مقامات رسمی در سال گذشته اعتراف کردند که بیش از ۱۰ هزار شرکت ثبت شده، باوجود درآمد های هنگفت اصلاً قاعدتاً پرونده و سابقه مالیاتی بوده و درگیری مالیات نمیپردازند. و اما در باره افزایش سریع مالیات بر واردات که به میزان ۵۴ درصد در نظر گرفته شده، باید پیش بینی کرد که بطور عمده بحساب افزایش تعرفه های گمرکی و سود بازرگانی بمنظور حمایت از سرمایه داران کلان و بزیان توده مردم انجام خواهد گرفت.

بودجه تورم زا، تمام آنچه تاکنون

گفته شد: وابستگی بودجه به درآمد نفت و ماهلی خارجی که هر دو از عوامل ناپایداری در آمد دولت و مجاری انتقال نوسانات بهای کالاها و ارزهای خارجی به کشور ما هستند، نامتضاد بودن بودجه و ضرورت توسل به اختصار اوراق قرضه و حتی اسکسشن برای جبران آن، افزایش شدید هزینه های نظامی و تضییعی که مستلزم افزایش هزینه های ریالی دولت در کشور است، افزایش میزان مالیاتهای غیر مستقیم، که در افزایش قیمتها تأثیر مستقیم دارد و حتی افزایش شدید برخی اختیارات اقتصادی (تغییر محل و نقل و ارباطات که جنبه های نظامی آن به جنبه های اقتصادی میچسبند و افزایشی برابر ۸۵ درصد خواهد داشت) - همگی عوامل تورم زائی هستند، که در صورت مهار نشدن، بیش از همه توده های زحمتکش از عوارض آن زبان خواهند دید.

برنامه ها و امکانات

بینی بودجه در سال آینده هزینه های اجتماعی به میزان ۲۶ درصد و هزینه های اقتصادی در حدود ۳۵ درصد افزایش خواهند داشت. دولت با تمکین بر این ارقام میخواید چنین جلوه دهد که رژیم در سال آینده به این امور توجهی خاص خواهد داشت. در اینجا باید گفت که صحبت فقط بر سر افزایش این اعتبارات نیست، بلکه سخن بر سر آنست که آیا این افزایش با امکانات واقعی و نیازهای دور و نزدیک جامعه ما توافق دارد، یا نه؟ و از این افزایش چه کسانی سود خواهند برد؟
فشارت دادن منابع نفتی بهر دامن درآمد کشور در راه تسلیحات عتق گسیخته و مزدبدهای ریخت و پاشی بی حساب بود و برایین و ثروتمندان کلان داخلی و اجناسهای خارجی امکانات کشور را بحد اقل میسراند.

افشای توطئه رژیم علیه آزادیخواهان ...

غافل آشپزی را بمانده دلیل جرم ضبط نمیکند، او و پسرش را دستگیر مینمایند.
تربیتی نیست که اگر فشار افکار عمومی داخلی و بین المللی و مبارزات پیگیر مردم آزادیخواه ایران علیه مظاهر رژیم خودسری و استبداد آریا مبری نبود، ساواک نیازی به این قبیل صحنه سازیها، جعل اتهامات و پرونده سازیها نداشت و بنا به شیوه ۲۰ ساله خود نه تنها دادگاهی دادگستری و قوانین کیفری را پانزده پیچی به حساب نمی آورد، بلکه خود رأساً تکلیف دستگیر شدگان، بویژه تکلیف نوسندهای چون محمود اعتمادزاده (به آذین) را که بخود اجازه داده در راه آزادی قلم و عقیده مبارزه کند در شکنجه گاههای اوین، کمیته وغیره مشخص میساخت. اما گسترش فزاینده دامنه پیکار مردم آزاده

هزینه های اجتماعی در بودجه پس از افزایش ۲۶

درصد نسبت بسال گذشته، فقط به ۲۸۹ میلیارد ریال بالغ شده است. دولت برای آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، تأمین مسکن و بیمه های اجتماعی و این قبیل هزینه ها که جامعه ما نیاز حیاتی به آنها دارد، رقمی کمتر از هزینه نظامی مصرف خواهد کرد. اعتبارات عمرانی دولت برای کشاورزی، صنایع، معادن، تأمین آب و برق فقط ۶۵۷ میلیارد ریال خواهد بود، که باز کمتر از هزینه های مستقیم نظامی است. در حالیکه رژیم اعتبارات دولت را برای رشد صنایع از ۱۲۲۶ میلیارد ریال در سال ۵۶ به ۴۰۳ میلیارد ریال در سال ۵۷ یعنی فقط ۳۲ درصد افزایش داده، کمک به سازمان انرژی اتمی ایران را از ۱۰۸ میلیارد ریال به ۱۶۲ میلیارد ریال رسانده است. بودجه اداره امور زندانها (۱۷۲ میلیارد ریال) بیش از بودجه تحقیقات دانشگاهی (۱۷۲ میلیارد ریال) تعیین شده است. در حالیکه برای بیمه های اجتماعی روستائیان فقط ۴۷۶ میلیون ریال اعتبار پیش بینی شده، کمک به «انجمن شاهنشاهی اسب» به رقم ۱۰۰ میلیارد ریال سرکشیده است. اینها واقعیت های رسوا کننده است که در بودجه کشوری که شاه میخواید آنرا به «تأمین بزرگ» برساند، بروشنی تمام انعکاس یافته است.

کاستن از هزینه های نظامی که اکنون جنبه تعرضی دارد به میزانی که برای امور واقعاتی لازم است و کاستن ویا حذف کردن سایر هزینه های زاید و زیانبار و جلوگیری از زنده ها و سوء استفاده ها امکانات کشور ما را برای افزایش اعتبارات امور اجتماعی و اقتصادی به میزان قابل ملاحظه ای می تواند افزایش دهد. دولت که در سال ۱۳۵۶ میزان هزینه های نظامی را ثابت نگاه داشت، توانست هزینه های اجتماعی را ۲۲ درصد (بجای ۲۶ درصد کنونی) و هزینه های اقتصادی را ۹۸ درصد (بجای ۳۵ درصد کنونی) افزایش دهد. همین واقعیت به تنهایی می تواند امکانات عظیمی را که کشور ما در اختیار دارد، نشان دهد. ولی همینجا باید اضافه کنیم که فقط مسئله افزایش امکانات برای سرمایه گذاری در امور اجتماعی و اقتصادی مطرح نیست، بلکه سخن در باره استفاده صحیح و طبق برنامه از آنها برای پیشرفت همه جانبه، هماهنگ، موزون و پایدار بود مردم و زحمتکشان در میان است. اگر نه، افزایش این قبیل اعتبارات، خود بخود، بدون رعایت يك سیاست صحیح ملی و خلقی، چنانکه تجربه خود رژیم پس از افزایش چشمی در آمد نفت نشان داده است، ثمری جز آشفتگی، درهم ریختگی، تورم و تشدید تنشگناها، ها در اقتصاد کشور و افزایش هزینه زندگی، کمیابی و ناپایی کالاهای مصرف عمومی و تشدید فقر بیار نخواهد آورد.

اکنون که دولت دچار آشفتگی ها و نابسامانی های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی شده است، میخواید با توسل به وامهای گمرشکن خارجی، با تحمیل مالیاتهای بیشتر به زحمتکشان، با منجمد کردن دستمزدها از یکسو و با تحکیم سازمانهای «امنیتی» و تشدید شیوه های کهنه و نواعمال قضا و شکنجه از سوی دیگر، معضلات اقتصادی و مالی و سیاسی و اجتماعی خود را بسود در برلایان و سرمایه داران و مالکان بزرگ و اربابان خارجی خود و بزیان مردم ایران، بخصوص زحمتکشان، حل کند.
مردم ایران میتوانند و باید، با تشدید مبارزه خود با این رژیم خون آشام و خائن به مقابله بپردازند و زمینه را برای برانداختن آن فراهم سازند.

ایران علیه رژیم خود سری و استبداد محمد رضاشاهی از یکسو و افشای مستمر اقدامات وحشیانه و فاشیست گرایانه رژیم شاه در برابر افکار عمومی مردم جهان از سوی دیگر، شاه و دستگاه ترور و اختناق او را وادار به تجدید نظر در برخی از شیوه های گذشته نموده است، از آنجمله در مورد شیوه مقابله با نمایشهای عدم رضایت مردم و نیز در باره چگونگی اقدامات قضائی بمنظور سرکوب هرگونه مخالفت در لباس ظاهر فریب محاکم دادگستری، شگرد دیگر رژیم این است که حتی المقدور از متهم ساختن افراد به جرائم سیاسی احتراز نموده، برای آنها پرونده های در زمینه بزه های عادی میسازد، تا به گمان خود هم به حیثیت اجتماعی مبارزین راه دو کراسی و استقلال ملی لطمه وارد آورد و هم در برابر افکار عمومی جهان، برای خود ظاهری دموکراتیک ایجاد نماید.

با وجود این نباید از نظر دور داشت که اجبار رژیم به محدود کردن استفاده از شیوه های وحشیانه گذشته، توسل به قانون کیفر عمومی و آیین دادرسی عادی جزائی، احاله پرونده های متهمین به دادگاههای دادگستری به خودی خود یکی از نخستین نتایج مبارزه مردم علیه رژیم ترور و اختناق بشمار میروند. برادران دادگاههای عادی هر قدر هم تابع رژیم باشند برای حفظ اعتبار حرفه ای خود و بویژه از لحاظ امکانات وسیعی که برای دفاع متهمین و بویژه برای نظارت افکار عمومی مردم بر تصمیمات آنها وجود دارد، نمیتوانند بسادگی دادگاههای نظامی پیکروانی را به تن بمالند و لا اقل نسبت به تطبیق قوانین و حقوق قضائی متهمین بی اعتنا بمانند و کور کورانه و بی هر گونه استقلال منطقی و قضائی قضا بنا برآهاده ساواک هر کس را لازم بدانند بهر جرم و هر میزان مجازاتی که امر شده باشد محکوم سازند.

ولی در عین حال نباید فراموش کرد که دادگستری کنونی نیز یکی از عوامل دستگاه دولتی واداری رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک حاکم است و لذا نمیتوان بصرف اینکه به آذین و روشنفکران دیگر بچنی آنکه مانند گذشته به دادگاه در بسته نظامی فرستاده شوند در دادگاههای عادی محاکمه میشوند، دلخوش داشت و با خوشبینی چنین انگاشت، که گویا رژیم ترور و اختناق از اعمال نفوذ در محاکم و یا در صورت لزوم از بسیج چنان داران و چاقو کشان خود در دادگاه برای مشوب ساختن افکار عمومی داخلی و بین المللی انصراف جست باشد. به همین دلیل برای درستی این نگرانی قریب است که بازرسی دادگستری دربار وجه الزمان غیرعادی ۴ میلیون تومانی برای آزادی به آذین صادر نموده است و قرار مجرمیت بی دلیلی که از جانب وی صادر شده و نیز کیفرخواستی که دادستان تهران برای محاکمه وی در دادگاه عالی جزائی تنظیم نموده است، خود بر این نگرانی می افزاید. در واقع هم باز پرس دادگستری و هم دادستان تهران بویخی میدانند که ماده ۲۶۱ قانون کیفر عمومی ناظر بر مواردی است که جماعتی بمنظور چپاول و ربودن اموال دیگران دست به غارت و تخریب میزنند و چنین اتهامی نه تنها به انسانی شرف و نوسنده مرزی چون به آذین نمیچسبد، بلکه اصولاً بیرون از آذین و پسرش در محل واصل گویا ترین دلیل خلاف است. از سوی دیگر باز پرس دادگستری و دادستان

تهران هرچه نماندند لااقل باید به این مسئله پیش پا افتاده قضائی آشنا باشند که قصد ارتکاب جرم نخستین شرط اثبات عمل جزائی اعم از جنحه و جنایت است. بنا براین بفرض اینکه چند شیشه هم شکسته شده باشد بهیچوجه نمیتوان از آن چنین نتیجه گرفت که گویا دانشجویان، استادان و دیگر روشنفکرانی که برای شرکت در يك کنفرانس علمی جمع شده بوده اند، در برابر چاقو کشان ساواک از خود دفاع کرده اند، بقصد «تهدیب و غارت» شیشه های مغازه و یا محلی را شکسته باشند.

بنا بر این مقدمات مسلم است که جنبش آزادی خواهانه مردم ایران در برابر توطئه ارتجاعی جدیدی قرار گرفته است. به همین سبب قاش ساختن این توطئه رژیم علیه عناصر مترقی، مبارزه برای مقابله کردن با آن و خنثی نمودن آن وظیفه همه رزمندگان گران راه دموکراسی و آزادی است. باید همه نیروها را برای تیرزه و آزادی به آذین و دیگر کسانسی که نیرنگ محاکماتی رژیم نخست آنها را هدف مقاصد ضد دموکراتیک خود قرار داده است، بکار برد. باید توانست

فرخنده باد روز هشتم مارس - روز بین المللی هزاران ساله اند. در کارخانه ها زنان آبیستان را نه نمینمایند و طوری با زنها قرار کار میگذارند که، خواستند آنها را بیرون می کنند تا زن نتواند از اجتهای استفاده نماید. گروهی بی شمار زنان تازه طرفی رو به کار می آیند و توانائی خود را برای تر شدن دیگران، به کار میبرند، از طرف دیگر زنان علیل بیرون میروند و این میلیونها زنان زحمتکش قانون کار نه از بیمه اجتماعی برخوردارند و کودکانشان هم نه شیر خوار گاهی وجود دارد کودکانی. در روستاها و عشایر زنانی که دستیشان شهرت چشمگیری پیدا کرده، در آلوده حصری زندگی میکنند، نه از بهداشت سخن شنیدند و نه از فرهنگ، گرسنه و بیمار زندگی میزنند میکنند. تمدد زوجات در این مناطق عالی و روشن است. فراموش نباید کرد که ۹۴ درصد زنان دهقان بیسواد هستند. جای این نیست که شرح زندگی زنان ایران را دادا اما این پرسش در برابر ما دارد: چه باید کرد؟ لنین می آموزد که يك حزب آهنگ، وظیفه است که در هر جا و در هر محیطی که به کار میشود نیروی زنان را ندیده نگردد و به برود آنها را تعلیم دهد و این بی حقی عمیق را، زندگی آنها با آن آمیخته است برای آنها را سازد، آنها را با بی قانونیها آشنا سازد و آنها را بیکار با این پدیده ها یاری رساند.

و چه کسانی در يك نهضت پیشرو بهتر کس نمیتواند دست به چنین کاری بزند؟ زنان و بیداری که رو به این نهضت آمده و در آن فعال میشوند، زنانی که دیگر خود متوجه هستند و میدانند که باید زن را از این بردگی نجات داد و میدانند که تا زن آزاد نشود خلق های کشور ما نخواهند شد. وظیفه بسیار بزرگ و پرهامی که به همه این زنان است در هر کجا که هستند چه در راه و چه در ده، چه در کارخانه و یا اداره باید با ر بیستی با هر یک گرفتاری، عقب افتادگیها، وسایل زند زن، با محرومیت های عمیق او در همه شئون، باحو زیاد به میان زنان رفت و با آنها زبان مشترک یاف، پیدا کردن و به مبارزه کشیدن يك زن و يك همانند این است که تمام خانواده ای را به مبارزه سازند. نفوذ اخلاقی زن در محیط خود بسیار با همه و گاه شگفت انگیزی است.

این گفته ابتدا به آن معنی نیست که مردان مبارز کاری به این کار نباید داشته باشند. عکس وظیفه آنها در این مبارزه بزرگ و سنگین است، آنها باید یکی از وظایف مهم خود را جلب زنان نهضت بدانند و کوشا باشند که پیشداوریهای تاندر، را که هر مردی خواهی نخواهی نسبت به زن دارد دور بیندازند و از سختیهای زیادتری که در راه در جلوی پا دارند نهراسند و به آنچه که لنین ما آموخته عمیقاً توجه نمایند و بدانند که:

« بدون یاری زنان يك نهضت واقعی توده ای غیر ممکن است »

روز هشتم مارس روز بین المللی زنان برای مترقی ایران و بطور کلی مبارزین روزی است که فعالیت گذشته خود را بررسی نمایند، تقاض کلرادا در نظر بگیرند و برنامه آتی را با واقع بینی بریزند و در همه جا برای پینا کردن و شرکت دادن زنان مبارزات، برای گرفتن حق آنها، و برای ایجاد و قوانین درست و برای شکوفا کردن نیروی تنظیم در این تیرزه بیشتر دست به کار بشوند.